

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد. نیر عدل و انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور باز مانند."

عنوان برنامه: "دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم"

#### قسمت روحانی

۱. مناجات شروع
۲. ذکر دسته جمعی به انتخاب جمع
۳. نصوص حضرت بهاءالله (در دو قسمت)
۴. نصوص حضرت عبدالبهاء

#### قسمت اداری

۵. سبب نفرت مردم از دیانت
۶. نتایج انحطاط دین
۷. علل ایجاد سوء تفاهمات و سرگردانی ها
۸. بیان مبارک حضرت ولی امرالله ( در این ایام فقدان روحانیت در نفوس انسانی ملحوظ و مشهود)
۹. شور و مشورت (چگونه می توانیم خود و فرزندانمان را از مظاهر رایج و شایع بی دینی و ماده پرستی محافظت نمائیم؟)

#### قسمت اجتماعی

۱۰. برنامه نونهالان و نوجوانان
۱۱. تنفس و پذیرائی
۱۲. مناجات خاتمه

الها معبودا مسجودا ملکا بی نیازا

دوستانت را از دریای آگاهی بی نصیب مفرما و از مشاهده انوار آفتاب ظهور محروم مساز . ای کریم از یک شعله نار محبتت عالم را مشتعل نمودی و به یک تجلی از تجلیات انوار وجهت مقربین و مخلصین را به مشعر فدا فرستادی. توئی سلطانی که قدرت کائنات ترا ضعیف نمود و شوکت امرا از ارادهات باز نداشت . به اسمت رایت " یَفْعَلُ مَا یَشَاء " مرتفع. در این ليله دَکماء از تو مسئلت می نمایم دوستانت را از کوثر معانی قسمت عطا فرما و از حیات ابدی نصیب کامل بخش. سراجت را اریاح عاصفات خاموش ننماید و سدره امرت را سیلابهای عالم از مَقَرِّ بر نیارد . ذکرت درکام عَشَّاق از هر شهدی شیرین تر و اسمت در مذاق اهل وفاق از ما فی الآفاق خوشتر و محبوبتر . ای کریم ، دوستانت را حفظ فرما و بر آنچه سزاوار است تأیید نما . اَنْک انت المقتدرُ علی ما تشاء ، لا اله الا انت القوی العلیمُ الحکیم .

آیات الهی ج ۲ ص ۱۰۰

۵- سبب نفرت مردم از دیانت

(حضرت عبدالبهاء) ذکر بیدینی اهالی پاریس می نمودند که سبب نفرت آنها از دیانت و روحانیت مداخله کشیشهای کاتولیک در امور سیاسی بود که چون مخالفت مشروطیت و جمهوریت نمودند و از طرف دیگر هم ترویج رسومات و عقاید تقلیدیه ئی خواستند که منافی علم و عقل بود لهذا دولت و حکومت به کمال ضدیت و نفرت برخواستند و اعلان بیزاری از دین و آئین نمودند و اسم دین را یاد نکردند الا به استهزاء و سخریه و این نبود مگر از سوء حرکات رؤسای روحانیه که به جای آن که سبب ترویج اساس دین الهی شوند علت نفرت و خرابی گشتند.

بدایع الآثار ج ۲ ص ۱۷

۳-نصوص حضرت بهاءالله(قسمت اول)

اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد

"عالم منقلب است و انقلاب او یوماً فیوماً در تزايد و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشأنی که ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج میروود و إِذَا تَمَّتِ المِیقاتُ یَظْهَرُ بَعْتَهُ ما تَرْتَعِدُ به فرائصُ العالمِ إِذا تَرْتَفِعُ الأعلامُ و تَعَرَّدُ العنادلُ عَلی الافنان."

نظم جهانی ص ۴۶

"قلم بیان در این حین مظاهر قدرت و مشارق اقتدار یعنی حضرات ملوک و سلاطین آیدهمُ اللهُ را نصیحت مینماید و به دین و تمسک بآن وصیت میکند اوست سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان \* سستی ارکان دین سبب قوت جهال و جرئت و جسارت شده \* براستی میگویم آنچه از مقام بلند دین کاست بر غفلت اشرار افزود و نتیجه بالاخره هرج و مرج است \* اِسْمَعُوا یا اُولی الابصار ثمَّ اَعْتَبِرُوا یا اُولی الانظار

لوح شیخ نجفی ص ۲۱ و ۲۲

"دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم چه که خشیۀ الله ناس را به معروف امر و از منکر نهی نماید. اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد. نیر عدل و انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور باز مانند."

نظم جهانی ص ۱۳۷

"دارالتعلیم باید درابتداء اولاد را به شرایط دین تعلیم دهند تا وعد و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهی منع نماید و بطراز اوامر مزین دارد و لکن بقدری که به تعصب و حمیهء جاهلیه منجر و منتهی نگردد"

قرن بدیع ص ۴۳۴

نصوص حضرت بهاء الله (قسمت دوم)

درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر

"دارالتعلیم باید درابتداء اولاد را به شرایط دین تعلیم دهند تا وعد و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهی منع نماید و بطراز اوامر مزین دارد و لکن بقدری که به تعصب و حمیهء جاهلیه منجر و منتهی نگردد"

قرن بدیع ص ۴۳۴

"رگ جهان در دست پزشک دانا است ، درد را می بیند و به دانائی درمان میکند . هر روز را رازی است و هر سر را آوازی . درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر . امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید . دیده میشود گیتی را دردهای بیکران فرا گرفته و او را بر بستر ناکامی انداخته . مردمانیکه از باده خود بینی سر مست شده اند پزشک دانا را از او باز داشته اند . اینست که خود و همه مردمان را گرفتار نموده اند . نه درد میدانند نه درمان میشناسند!"

دریای دانش ص ۳ و ۴

" خردمندان، گیتی را چون کالبد مردمان دانسته اند؛ چنان که او را پوشش باید، کالبد گیتی را هم پوشش داد و دانش شاید. پس کیش یزدان جامه اوست؛ هر گاه کهنه شود به جامه تازه او را بیاراید. هر گاهی را روشی جداگانه سزاوار؛ همیشه کیش یزدانی به آنچه شایسته آن روز است هویدا و آشکار."

یاران پارسی ص ۴۸

نصوص حضرت عبدالبهاء

-اسباب بی زاری از دین الهی

یکی از اسباب بیزاری نفوس از عالم دیانت همین تقلید و اوهام رؤسای مذاهب است که اشخاص عالم و دانا چون آن تقلید و رسومات را مخالف علم و عقل دیدند دین الهی را ترک نمودند دیگر ملتفت نشدند که اینها اوهام رؤسای ادیان است هیچ دخلی به آئین الهی ندارد... و اعظم از کل دفع و رفع تقلید و اوهام مذهبی است و تطبیق مسائل دینی با دلائل عقلیه و علمیه. ۱

و نیز می فرمایند:

این معلوم و مبرهن است که اعظم منقبت عالم انسانی اطاعت پروردگار است و شرف و عزت‌ش در متابعت اوامر و نواهی خداوند یکتا. نورانیت امکان، به دیانت است و ترقی و فوز و سعادت خلق در متابعت احکام کتب مقدسه الهیه. فی‌الجمله ملاحظه شود مشهود گردد که در عالم وجود ظاهراً و باطناً اعظم اساس متین رصین و اکبر بنیان قویم رزین که محیط بر آفرینش و کافل کمالات معنویّه و صورتیّه و ضابط سعادت و مدنیّت هیئت عمومیّه بشریّه است، دیانت است. اگرچه بعضی سبک‌مغزان که تعمق و تدبّر در اسّ اساس ادیان الهیه ننموده‌اند و روش بعضی مدعیان کاذبه تدین را میزان قرار داده کل را بآن قیاس نمایند. از این جهت ادیان را مانع ترقی عموم انگاشته‌اند؛ بلکه مؤسس نزاع و جدال و مسبب بغض و عداوت کلیّه بین اقوام بشریّه شمرده‌اند و این‌قدر ملاحظه ننموده‌اند که اساس ادیان الهی را از اعمال مدعیان دیانت ادراک نتوان نمود؛ چه که هر امر خیری که در ابداع شبه آن متصور نه قابل سوء استعمال است. مثلاً اگر سراج نورانی در دست جهلای صبیان و نابینایان افتد خانه نیفرود و ظلمت مستولیه زائل نگردد بلکه خانه و خود را هر دو بسوزاند. در این صورت میتوان گفت سراج مذموم است؟ لا والله سراج هادی سبیل و نوردهنده شخص بصیر است؛ لکن ضریر را آفتی است عظیم. ۲

-دین حصن حصین است:

از جمله تعالیم حضرت بهاءالله این که دین حصن حصین است اگر بنیان دین متزلزل و وهین گردد هرج و مرج رخ دهد و به کلی انتظام امور مختلف شود. زیرا در عالم انسانی دو رادع است که از ارتکاب رذائل حفظ می نماید. یک رادع قانون است که مجرم را عذاب و عقاب می نماید ولی قانون رادع از جرم مشهود است رادع از جرم مخفی نیست و اما رادع معنوی، دین الهی، رادع از جرم مشهود و مخفی هر دو است و انسان را تربیت می نماید و تهذیب اخلاق می کند و مجبور بر فضائل می نماید و اعظم جهت جامعه است که تکفل سعادت عالم انسانی می کند. ۳

۱- امر و خلق ج ۲ ص ۱۳۶      ۲- رساله مدنیّه ص ۲۹      ۳- صلح پایان جنگ نیست ص ۵۴

## ۶- نتایج انحطاط دین

امروز ما به هر طرف که دیده گشائیم و هر چه در گفتار و کردار نسل کنونی حتی به طور سطحی نظر نمائیم از مظاهر فساد و انحطاط اخلاقی که در شئون انفرادی و اجتماعی زنان و مردان این عصر از خود ظاهر می سازند به دهشت و حیرت می افتیم.

شک و تردیدی نیست امری که باعث چنین شرّ مهلکی گشته همانا انحطاط دین به عنوان یک نیروی اجتماعی است که ضعف مؤسّسات مذهبی پدیده خارجی آن است. حضرت بهاء الله می فرماید: "آنست سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان. سستی ارکان دین سبب قوّت جهّال و جرأت و جسارت شده. براستی می گویم آنچه از مقام بلند دین کاست بر غفلت اشرار افزود و نتیجه بالاخره هرج و مرج است."

...بنابراین عجیبی نیست که چون در نتیجه فساد بشری چراغ دین خاموش شود و خلعت معنوی که بایستی زینت هیکل انسانی باشد از او خلع گردد ناچار انحطاط تأسّف انگیزی در سرنوشت بشر فی الفور به وجود می آید و با خود هر نوع شرّی را که از یک شخص خاطی منحرف سرزدنی باشد همراه می آورد. و در چنین حالی است که انحرافات در طبیعت انسان و انحطاط در رفتار انسان و فساد و انحلال در مؤسّسات متعلّق به انسان به بدترین و نفرت بار ترین وجهی ظاهر و آشکار گردد و ماهیّت انسانی تدنی یابد، اعتماد و اطمینان سلب شود رشته انضباط از هم بگسلد، ندای وجدان خاموش شود، شرم و حیا از میان برخیزد، مفاهیم وظیفه شناسی و هم بستگی و احترام و رفتار متقابل و وفاداری تعبیرات غلط گیرد و عواطف عالیّه آرامش و سکون و شادمانی و سرور و امیدواری از میان برخیزد...

احیاء و بازگشت تعصّبات دینی و خصومات نژادی و غرور وطنی، شواهد روز افزون خودپرستی و سوء ظن و خوف و تقلّب، اشاعه تروریسم و قانون شکنی و شرب مسکرات و جنایت، داشتن عطش مفروط و کوشش حادّ و بی حدّ برای کسب مال و لذّت و شئون ناچیز دنیوی، تضعیف اساس خانواده، اهمال در مراقبت و انضباط اطفال از طرف والدین، استغراق در تجمل پرستی، نداشتن حسّ مسؤلیّت در قبال ازدواج و بالتّیجه ازدیاد طلاق، انحطاط و انحراف در عالم هنر و موسیقی، ملوّث شدن ادبیات و فساد مطبوعات، تزئید نفوذ و فعّالیّت مروّجین انحطاط که از بسر بردن زن و مرد با هم بدون ازدواج دفاع می کنند و فلسفه برهنگی را تعلیم می دهند و حیاء را منسوخ و افسانه خیالی می شمارند و از قبول اینکه تولید نسل را مقصد اصلی و مقدّس ازدواج بدانند ابا دارند و دین را افیون خلق توصیف می کنند و اگر بتوانند نوع بشر را بقهقرای توحّش و

هرج و مرج و بالاخره بانعدام صرف سوق می دهند اینها همه به ظاهر ظاهر از خواص بارزه جامعه فاسد منحنی این زمانند؛ جامعه ای که چاره دیگرش نیست جز آنکه یا دوباره احیاء شود یا به مرگ و نیستی دچار گردد.

نظم جهانی بهائی ص ۱۳۸-۱۳۶

#### ۷- علل ایجاد سوء تفاهمات و سرگردانی ها

اگر بشریت به تضاد فلج کننده ای دچار گشته باید به خود بنگرد و غفلت خویش را به یاد آورد و به ندهای گمراه کننده ای که به آن دل بسته بیندیشد و متوجه شود که چگونه به نام دین این همه سوء تفاهم و سرگردانی به وجود آمده است. کسانی که چشم بسته و خودخواهانه اصرار به معتقدات مخصوص و محدود خود و تفاسیری غلط و شد و نقیض از کلام پیمبران خدا به پیروان و مریدان خویش تحمیل نموده اند، مسئولیت سنگینی در ایجاد این سرگردانی و آشفتگی دارند؛ علی الخصوص که این آشفتگی بر اثر موانع و سدّهای مصنوعی که میان عقل و ایمان و علم و دین برپا گشته غلیظ تر و شدیدتر می گردد. چون با نظر انصاف در کلام مؤسّسین ادیان بزرگ تحقیق شود و محیط اجتماعی زمانی که آن بزرگواران به رسالت خویش پرداخته اند در نظر آید معلوم می گردد که این مشاجرات و تعصباتی که سبب تدنی جامعه های دینی و بالنتیجه تدنی تمام شئون انسانی گشته در پیشگاه دین مردود است. صلح پایان جنگ نیست ص ۱۰

#### ۸- بیان مبارک حضرت ولی عزیز امرالله

در این ایام فقدان روحانیت در نفوس انسانی ملحوظ و مشهود

در این ایام فقدان روحانیت در نفوس انسانی چنان ملحوظ و مشهود که احبای الهی باید با هشیاری کامل خود را از هجوم امواج الحاد و ماده پرستی که عالمیان را احاطه نموده است حفظ و صیانت نمایند. سوءظن و تردید، بدبینی، کفر، فساد و تدنی اخلاق و خشونت و قساوت چنان رایج و شایع که یاران رحمانی در عین نفی و ضدیت با آن باید مراقب باشند مبادا سهواً و غفلتاً از این جو کنونی تأثیر یابند.

موضوع شور و مشورت

چگونه می توانیم خود و فرزندانمان را از مظاهر رایج و شایع بی دینی و ماده پرستی که در بیان مبارک حضرت ولی امرالله به آن اشاره شده محافظت و مراقبت نمائیم؟